



جلسه: ۰۲
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

أدله دال بر مطلوب بودن وسعت رزق در نزد شارع

در جلسه پیشین مطرح گردید که در ابتدا باید نظر اسلام در مورد وضعیت اقتصادی جامعه در زندگی اجتماعی و انفرادی مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه مطرح گردید که از بخشی از أدله استفاده می شود که مطلوب شارع مقدس این است که جامعه از حیث رزق یعنی خوراک، پوشاک، مسکن، مرکب و سایر مایحتاج زندگی، در وسعت و سعه رزق باشد و دیدگاه اسلام این نیست که مردم در فقر زندگی کنند و خوراک، پوشاک و مسکن آنها در حداقل باشد. این مطلب از چند دسته از روایات قابل استفاده است.

الف: روایات دعا کردن ائمه علیهم السلام و تعلیم آن به مردم

دسته اول، روایاتی است که نحوه دعا کردن را تعلیم کرده اند.^۱ در این روایات به مردم یاد داده اند که از خدای متعال وسعت روزی را طلب کنند که وسعت روزی شامل همه موارد ذکر شده می شود. از این روایات استفاده می شود که مطلوب شارع این است که مردم در وسعت زندگی کنند و الا سفارش به دعا کردن نمی شد. حال اگر بنا باشد که کل جامعه در وسعت رزق باشند، برخی بلاواسطه مسؤول کسب درآمد هستند و از طریق آنها و مع الواسطه برخی دیگر نیز استفاده می کنند. به عنوان مثال اگر یتیمی وجود داشته باشد که توان کسب درآمد نداشته باشد، بر دیگران که توان کسب و کار دارند، لازم است که مقداری به او پرداخت کنند که فقر او برطرف شده و او نیز در سعه رزق قرار گیرد.

بخش دیگری از روایات در مورد ادعیه خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام است که در دعاهای آنها وسعت رزق از خدای متعال طلب شده است. البته خود اهل بیت علیهم السلام زندگی زاهدانه داشته اند، اما در عین حال دعا برای وسعت رزق داشته اند؛ چون وسعت رزق با نحوه استفاده از آن متفاوت است و در اختیار خود فرد است که سبب زندگی خود را تعیین کند. اما به هر حال نباید تنگدست باشد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برای خودشان نخلستان ایجاد می کرده اند و ثروتمند بوده اند، اما زندگی ایشان کاملاً ساده بوده و در غذای خود به نان ساده و مواد غذایی مختصر اکتفا می کرده اند. اما صادق علیه السلام نیز جزو افراد ثروتمند بوده اند. در روایتی که صاحب وسائل آن را در باب خمس نقل کرده اند،^۲ آمده است: «إِنِّي لَأَخْذُ مِنْ أَحَدِكُمُ الدَّرْهَمَ وَإِنِّي لَمِنْ أَكْثَرِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَالًا مَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا أَنْ تُطَهَّرُوا.»^۳ امام صادق علیه السلام در این روایت بیان کرده اند که اگر کسی یک درهم به ایشان بدهد، می گیرند، در حالی که از نظر مالی از بسیاری از مردم بالاتر بوده اند. امام صادق علیه السلام در ادامه روایت اشاره کرده اند که نکته اخذ درهم از مردم، نیازمند بودن ایشان نبوده است بلکه به هدف تطهیر و پاکیزه کردن آنها این اموال را اخذ می کرده اند. بنابراین ائمه علیهم السلام فقیر نبوده اند بلکه صرفاً زندگی زاهدانه را اختیار می کرده اند. امام مجتبی علیه السلام نیز ثروتمند بوده و همیشه میهمان داشته اند و بارها اموال خود را بین فقراء تقسیم کرده اند. اما خود ایشان نیز در سطح پایینی زندگی می کرده اند. بنابراین این گونه نبوده است که ائمه علیهم السلام فقیر بوده باشند. از خدای متعال نیز درخواست وسعت رزق داشته اند و این مطلب را به مسلمانان هم تعلیم داده اند که حاکی از مطلوب بودن گشایش در رزق و روزی برای مردم است.

۱. البته این روایات مستقیماً برای بیان مطلوب شارع وارد نشده اند، اما برای استنباط مسائل نظام اقتصادی، راهی غیر از استنباط از لایه لای روایات مرتبط با مسائل فقهی و غیر فقهی نیست.

۲. به نظر می رسد نقل این روایت در باب خمس صحیح نیست؛ چون یکی از احکامی که در اسلام وجود دارد، دادن صله و هدیه به امام علیه السلام است. در کتاب کافی نیز بایستی با عنوان صله و هدیه به امام علیه السلام وجود دارد. در این روایت نیز به صله و هدیه به امام علیه السلام اشاره شده است.

۳. وسائل الشیعة ۹: ۴۸۴.



جلسه: ۰۲
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

ب: روایات دال بر وجود سهم برای فقراء در اموال اغنیاء

دسته دوم از روایاتی که می توان از آنها مطلوب شارع را در بحث نظام اقتصادی به دست آورد، روایاتی است که در آنها بیان شده است که در دنیا هیچ کس فقیر و محتاج نیست؛ چون خداوند متعال در اموال اغنیاء فریضه قرار داده است که تمام فقرا را شامل می شود و آنها را از فقر خارج می کند؛ یعنی اگر کسی به جهت صغر سن، معلولیت و یا هر علت دیگری درآمد نداشته باشد، این شخص با دیگری که درآمد بالائی دارد، تفاوت ندارد و باید از حیث سعه رزق، همانند او گردد و مایحتاج زندگی او از اموال ثروتمندان تأمین شود.

البته برخی از روایات صرفاً به اعطاء مال به فقراء اشاره کرده و مقدار آن را تعیین نکرده است. این دسته از روایات به تنهایی کافی نیستند، اما با ضمیمه آنها به روایاتی که در ابواب مستحقین زکات نقل شده و مقدار آن را مشخص کرده است، مقصود از این روایات نیز مشخص می شود. در این زمینه روایات بسیار زیادی نقل شده است که جلسه پیشین به تعدادی از آنها اشاره گردید و در این مجال تعداد دیگری از آنها نقل می گردد:

الف: روایت عبدالعزیز

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبُو بَصِيرٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ إِنَّ لَنَا صَدِيقًا وَ هُوَ رَجُلٌ صَدُوقٌ يَدِينُ اللَّهَ بِمَا نَدِينُ بِهِ فَقَالَ مَنْ هَذَا يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الَّذِي تَرْكِيهِ فَقَالَ الْعَبَّاسُ بْنُ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ فَقَالَ رَحِمَ اللَّهُ الْوَلِيدَ بْنَ صَبِيحٍ مَا لَهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَهُ دَارٌ تَسْوَى أَرْبَعَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ لَهُ جَارِيَةٌ وَ لَهُ غُلَامٌ يَسْتَقِي عَلَى الْجَمَلِ كُلِّ يَوْمٍ مَا بَيْنَ الدَّرْهَمَيْنِ إِلَى الْأَرْبَعَةِ سِوَى عَلْفِ الْجَمَلِ وَ لَهُ عِيَالٌ أَلَّهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ قَالَ نَعَمْ قَالَ وَ لَهُ هَذِهِ الْعُرُوضُ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَمُرَهُ أَنْ يَبِيعَ دَارَهُ وَ هِيَ عِزَّةٌ وَ مَسْقُطُ رَأْسِهِ أَوْ يَبِيعَ جَارِيَتَهُ الَّتِي تَقِيهِ الْحَرَّ وَ الْبُرْدَ وَ تَصُونُ وَجْهَهُ وَ وَجْهَ عِيَالِهِ أَوْ أَمُرَهُ أَنْ يَبِيعَ غُلَامَهُ وَ جَمَلَهُ وَ هُوَ مَعِيشَتُهُ وَ قُوَّتُهُ بَلْ يَأْخُذَ الزَّكَاةَ وَ هِيَ لَهُ حَالَالٌ وَ لَا يَبِيعُ دَارَهُ وَ لَا غُلَامَهُ وَ لَا جَمَلَهُ.^۱

در این روایت ابوبصیر در مورد دوست خود سوال کرده است که خانه ی او چهار هزار درهم ارزش داشته و دارای کنیز و غلام بوده است. علاوه بر اینها دارای شتری بوده است که توسط آن برای او آب می کشیده اند و از طریق آن بین دو تا چهار درهم درآمد داشته است. ابوبصیر در مورد جواز گرفتن زکات توسط چنین فردی سوال کرده است؛ یعنی از فقیر بودن یا نبودن او را مطرح کرده است. امام صادق علیه السلام در پاسخ به او بیان کرده اند که می تواند زکات دریافت کند. ابوبصیر از پاسخ امام علیه السلام تعجب کرده و اظهار می کنند که این شخص با این اموالی که دارد، چگونه جایز است که زکات دریافت کند؟ امام علیه السلام در پاسخ اشاره می کنند که این اموال در زندگی او لازم است و موجب حفظ آبروی او است و لذا لازم نیست که او برای تهیه هزینه های زندگی، آن اموال را بفروشد بلکه می تواند هزینه های زندگی خود را از طریق زکات تأمین کند. بنابراین مقدار زکاتی که به افراد داده می شود، در حدّ پایین که صرفاً شخص را از مرگ نجات دهد نیست، بلکه حتی اگر شخص درآمدی هم داشته باشد، اما کاملاً ما یحتاج متعارف او را تأمین نکند، برای او گرفتن زکات جایز خواهد بود.

ب: روایت عمار بن موسی



جلسه: ۰۲
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ كَمْ يُعْطَى الرَّجُلُ مِنَ الزَّكَاةِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِذَا أُعْطِيَ فَأَغْنَاهُ.^۱

در این روایت در مورد مقدار زکات که به فقراء پرداخت می شود، سوال شده است و امام صادق علیه السلام فرموده اند: باید به مقداری پرداخت شود تا برای فقیر، غنا و بی نیازی حاصل شود. در نتیجه این گونه نیست که به ابتدائیات زندگی اکتفا شود بلکه باید همانند سایرین جزو اغنیاء گردد.

در باب ۲۴ از ابواب مستحقین زکات، روایات متعددی با همین مضمون نقل شده است.^۲

ج: مرسله حماد

حدیث سومی که صاحب وسائل در باب ۲۸ از ابواب مستحقین زکات نقل کرده است، روایت مرسله از حماد است که بسیار طولانی است و این روایت در کتاب های خمس و زکات معروف است و فقرات آن مورد استناد قرار می گیرد. این روایت اگرچه از نظر سندی مرسله است، اما ادعاء می شود که مقبوله است. البته با توجه به تعدد روایات، نیازی به تصحیح سندی آن وجود ندارد؛ چون روایات متعددی نقل شده است و از مجموع آنها قطع حاصل می شود که نظر اسلام این چنین است. در بخشی از مرسله حماد آمده است:

فَوَجَّهَهُ فِي الْجِهَةِ الَّتِي وَجَّهَهَا اللَّهُ عَلَى ثَمَانِيَةِ أَسْهُمٍ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَفَةَ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرَّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ ثَمَانِيَةَ أَسْهُمٍ يَنْسُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَوَاضِعِهِمْ بِقَدْرِ مَا يَسْتَعْنُونَ بِهِ فِي سَنَتِهِمْ بِلَا ضَبِيقٍ وَلَا تَقْتِيرٍ فَإِنْ فَضَلَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ رُدَّ إِلَى الْوَالِيِّ وَإِنْ نَقَصَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ وَلَمْ يَكْتَفُوا بِهِ كَانَ عَلَى الْوَالِيِّ أَنْ يَمُونَهُمْ مِنْ عِنْدِهِ بِقَدْرِ سَعَتِهِمْ حَتَّى يَسْتَعْنُوا^۳

در این روایت بیان شده است که باید به فقراء به مقداری اعطاء شود که در طول سال در مضیقه و سختی نباشند. بعد از تأمین این هدف، اگر اموال اضافه بیاید، به حاکم بازگردانده می شود، اما اگر اموال متعلق به فقراء کمتر از حدی باشد که آنها را بی نیاز کند، حاکم باید از بیت المال پرداخت کند. بنابراین باید بی نیازی فقراء حاصل شود؛ اعم از اینکه اموال زکوی کافی باشد و یا کافی نباشد.

د: روایت ابوبصیر

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ شَيْخًا مِنْ أَصْحَابِنَا يُقَالُ لَهُ عُمَرُ سَأَلَ عِيسَى بْنَ أَعْيَنَ وَهُوَ مُحْتَاجٌ فَقَالَ لَهُ عِيسَى بْنُ أَعْيَنَ أَمَا إِنَّ عِنْدِي مِنَ الزَّكَاةِ وَ لَكِنْ لَا أُعْطِيكَ مِنْهَا فَقَالَ لَهُ وَلَمْ يَقَالَ لِأَنِّي رَأَيْتُكَ اشْتَرَيْتَ لِحْمًا وَ تَمْرًا فَقَالَ إِنَّمَا رَبِحْتُ دِرْهَمًا فَاشْتَرَيْتَ بِدَانِقَيْنِ لِحْمًا وَ بِدَانِقَيْنِ تَمْرًا ثُمَّ وَرَجَعْتُ بِدَانِقَيْنِ لِحَاجَةٍ قَالَ فَوَضَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ سَاعَةً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَظَرَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ ثُمَّ نَظَرَ فِي الْفُقَرَاءِ فَجَعَلَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ وَ لَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ لَزَادَهُمْ بَلْ يُعْطِيهِ مَا يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ وَيَكْتَسِي وَيَتَزَوَّجُ وَيَصَدَّقُ وَيَحُجُّ.^۴

۱. الكافي ۳: ۵۴۸.

۲. وسائل الشيعه ۹: ۲۵۸.

۳. الكافي ۱: ۵۴۱.

۴. الكافي ۳: ۵۵۶.



جلسه: ۰۲
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

در این روایت نقل شده است که شخصی به نام عمر، پیرمرد محتاجی بوده است که از عیسی بن اعمین درخواست کمک می کند. در نزد عیسی بن اعمین مقداری از زکات بوده است، اما از آنها به آن پیرمرد پرداخت نمی کند و علت عدم پرداخت را این چنین بیان می کند که مشاهده کرده است که آن پیرمرد، گوشت و خرما خریداری کرده است. پیرمرد نیز نحوه به دست آوردن آن دو درهم را برای عیسی بن اعمین توضیح می دهد. ابوبصیر این داستان را برای امام صادق علیه السلام نقل می کند. امام صادق علیه السلام بعد شنیدن این داستان، لحظاتی دست خود را بر پیشانی مبارکشان قرار می دهند و سپس می فرمایند: خداوند در اموال اغنیاء اموالی را برای فقراء قرار داده است که آنها را کفایت کند؛ یعنی مقدار زکاتی که خداوند تعیین کرده است، برای از بین بردن فقر فقراء کافی است و اگر کافی نبود، خداوند متعال مقدار بیشتری را تعیین می کرد. امام صادق علیه السلام در ادامه روایت فرموده اند: باید به فقراء مقداری از زکات داده شود که خوراک و پوشاک و ازدواج آنها تأمین گردد و علاوه بر اینها توان بر پرداخت صدقه و انجام حج را نیز داشته باشند. بنابراین مقداری که به فقراء پرداخت می شود، صرف اولیات زندگی نیست بلکه باید آن قدر پرداخت گردد که از مایحتاج او اضافه بیاید تا بتواند صدقه بدهد و حج انجام بدهد.

بحث از مقدار زکات که به فقراء پرداخت می شود، از مباحثی است که از گذشته در بین فقهاء مطرح بوده است. صاحب عروه در صفحات ۱۰۰ و ۱۰۱ از جلد چهارم کتاب عروة الوثقی که توسط جامعه مدرسین در شش جلد چاپ شده، در ضمن سه مسأله به این موضوع پرداخته است. با توجه به روایات ذکر شده، شک و شبهه ای باقی نمی ماند که هدف و مطلوب شارع این است که در جامعه اسلامی فقری پیدا نشود. به عنوان مؤید برای این روایات، می توان به آیه شریفه «وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۱ اشاره کرد؛ چون از این آیه شریفه استفاده می شود که فقر و کمبود در اموال و جان ها، خلاف روش و مسیر طبیعی شارع مقدس است و شارع اولاً نمی خواهد که چنین شرائطی برای مسلمان وجود داشته باشد، اما گاهی از باب بلاء و امتحان الهی این شرائط ایجاد می شود. در صورتی هم که کمبود در اموال و ثمرات ایجاد شود، مصیبت محسوب می شود؛ چون تعبیر «اصابه مصیبة» که در ادامه آیه مطرح شده است، اختصاص به از دنیا رفتن اشخاص ندارد بلکه مربوط به همه فقرات است. استفاده از تعبیر «مؤید» به این جهت است که ممکن است ادعا شود که امتحان کردن خداوند برای ارتقای درجات است.

بررسی مخالفت روایات دال بر مطلوب بودن وسعت روزی با قرآن

تاکنون روشن گردید که مفاد روایات این است که وسعت روزی برای همه افراد، مطلوب شارع است. ممکن است در اینجا اشکالی مطرح شود که در صورتی می توان به روایات استناد کرد که مخالف با قرآن نباشند، اما روایات نقل شده که دلالت بر مطلوب بودن وسعت روزی برای همگان دارند، مخالف قرآن هستند.

توضیح مطلب این است که در آیه ۲۷ سوره مبارکه شوری آمده است: «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ نُنزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ». در این آیه شریفه اشاره شده است که خداوند بر همه بندگان بسط روزی نمی دهد؛ چون اگر همگان دارای بسط روزی گردند، اهل بغی خواهند شد. بنابراین بر اساس این آیه شریفه، وسعت رزق مطلوب شارع نیست؛ چون وقتی بغی، برای شارع مطلوب نباشد، سبب آن نیز که وسعت روزی است، مطلوب شارع نخواهد بود. با توجه به این مطلب، روایات دال بر مطلوب بودن وسعت رزق، مخالف قرآن محسوب می شوند و دیگر نمی توان به آنها استناد کرد. در مورد این اشکال دو پاسخ قابل ذکر است:



۱- این معنا برای آیه شریفه که «هر کسی دارای وسعت رزق باشد، اهل بغی خواهد شد» خلاف واقع است؛ چون از مسلمات است که در خارج عده ای وجود داشته اند که دارای وسعت روزی بوده اند، ولی باغی نشده اند. در این زمینه می توان به ائمه معصومین علیهم السلام اشاره کرد که از نظر مالی جزو ثروتمندان محل سکونت خود بوده اند، اما به هیچ وجه از آنها بغی رخ نداده است. حضرت خدیجه سلام الله علیها نیز همچین بوده اند. در بین مؤمنین نیز کسانی هستند که در عین بی نیازی مالی، اهل انفاق و انجام امور خیر هستند. بنابراین اگرچه ممکن است عده ای در اثر بی نیازی، طغیان کنند، اما اینکه به صورت کلی گفته شود که «کلّ من کان له مالٌ کثیرٌ یكون باغیا»، خلاف واقع است.

۲- روایات مخالف قرآن در صورتی از حجیت ساقط می شوند که خبر واحد باشند. اما اگر روایات، از حیث سند و دلالت قطعی باشند، این گونه نیست که روایات کنار گذاشته شود بلکه باید بین روایات و آیه قرآن جمع شود کما اینکه اگر دو آیه قرآن با یکدیگر تنافی داشته باشند، با توجه به اینکه هر دو قطعی الصدور هستند، باید بین آنها جمع صورت گیرد. به عنوان مثال در آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَکِن کَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ»^۱ بیان شده است که اگر ایمان و تقوا وجود داشته باشد، خداوند متعال برکات خود را از آسمان و زمین بر آنها باز خواهد کرد. در آیه شریفه «وَ یَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْکُمْ مِدْرَارًا وَ یَزِدْکُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِکُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِیْنَ»^۲ نیز اشاره شده است که استغفار و توبه موجب ارسال برکات الهی است. در نتیجه در آیات قرآن نیز به وسعت رزق و برکات الهی اشاره شده است که باید بین این آیات و آیه «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِی الْأَرْضِ» جمع شود. به همین بیان، باید بین این آیه و روایات دال بر وسعت رزق جمع شود؛ چون روایات مربوط به وسعت رزق به حدی زیاد است که قطع به صدور آنها وجود دارد. از طرف دیگر آیه «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِی الْأَرْضِ» نیز صریح نیست و احتمالاتی در آن مطرح است. این احتمالات عبارتند از:

الف: مقصود از «بغی» که در آیه شریفه ذکر شده، ظلم به یکدیگر نیست، بلکه مقصود این است که وقتی خداوند متعال به همه بندگان وسعت رزق داده و همه امکانات را در اختیار داشته باشند، دیگر هیچ کس به کار و تلاش نخواهد پرداخت و هیچ کس به دیگری کمک نخواهد کرد. در حالی که انسان نمی تواند به صورت انفرادی زندگی کند بلکه لامحاله باید در اجتماع باشد و زندگی اجتماعی این اقتضا را دارد که هر فردی از جامعه، حرفه ای از قبیل بنائی، نانوائی، خیاطی و ... را بر عهده بگیرد تا زندگی اجتماعی تأمین گردد. طبق این احتمال، مقصود از بسط رزق همان معنای وسعت روزی است، اما بغی به معنای ظلم نیست بلکه مقصود از آن، عدم تعامل در زندگی اجتماعی است.

این احتمال خلاف ظاهر است؛ چون اگر مقصود از بسط رزق این باشد که خدای متعال همه امکانات را در اختیار افراد قرار دهد، دنیا همانند بهشت خواهد شد و مردم هرچه اراده کنند، برای آنها فراهم می شود و دیگر نیازی به کار کردن نیست و دیگر بغی هم نمی شود؛ چون همه مردم همین طور اند و هرچه اراده کنند برای آنها فراهم می شود. اما خلاف ظاهر است که آیه شریفه بسط رزق را به گونه ای در نظر گرفته باشد که دنیا تبدیل به بهشت شود.

۱. سوره اعراف ۹۶.

۲. سوره هود ۵۲.



جلسه: ۰۲
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

ب: احتمال دوم این است که اگرچه در آیه شریفه، بسط رزق به عنوان شرط و بغی جزای آن قرار گرفته است، اما بسط رزق، علت تامه برای بغی نیست بلکه صرفاً مقتضی را بیان کرده است. در نتیجه آیه «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ» همانند آیاتی خواهد شد که در آنها بیان شده است که انجام معاصی موجب داخل شدن در جهنم می شود؛ چون انجام معصیت علت تامه برای دخول در جهنم نیست بلکه صرفاً مقتضی است؛ چون ممکن است که شخص توبه کند کما اینکه بازدارندگی نماز از فحشا و منکر که در آیات قرآن به آن اشاره شده است، علت تامه نیست بلکه صرفاً اقتضای بازدارندگی مقصود است.

بنابراین وسعت رزق صرفاً مقتضی برای طغیان است و ایمان و تقوا مانع برای آن محسوب می شود و وجود ایمان و تقوا موجب می شود که خداوند متعال برکات خود را از آسمان و زمین بر بندگان ارسال کند. در نتیجه مطلوب شارع نسبت به جوامعی که ایمان دارند، همان وسعت روزی خواهد شد.

لازم به ذکر است که ظاهراً آیه شریفه آبی از تقیید است و لذا طبق احتمال دوم تقیید صورت نمی گیرد تا مفاد آیه به صورت «لو بسط الله الرزق لعباده غیر المتقین» بلکه از ظهور شرط در علیت تامه رفع ید شده و حمل بر بیان اقتضاء می شود. از طرف دیگر صرف وجود مقتضی کافی نیست و ممکن است مانعی وجود داشته باشد که از تأثیر آن جلوگیری کند.

بر اساس این احتمال مشکل تنافی بین آیه شریفه و روایات حل می شود، اما در مورد این احتمال شبهه ای وجود دارد؛ چون در ادامه آیه ۲۷ شوری آمده است: «وَلَكِنْ يُنَزَّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ». این تعبیر با بسط روزی سازگار نیست؛ چون از این تعبیر استفاده می شود که بسط روزی رخ نداده است و خداوند به اندازه ای که می خواهد بر بندگان نازل می کند الا اینکه ادعا شود که مربوط به غیر مؤمنین و غیر متقین است.

ج: احتمال سوم این است که بسط روزی غیر از سعه روزی است؛ یعنی در صورتی که بسط روزی صورت گرفته باشد، هیچ کمبودی وجود نداشته و شخص هرچه دلش بخواهد برای او فراهم باشد. اما سعه روزی در مقابل تضییق است و به این حد از اعطاء نمی رسد بلکه به شخص به مقداری اعطا می شود که تنگدست نباشد و بتواند زندگی عادی خود را ادامه دهد.

تاکنون روشن گردید آیه قرآن و همچنین روایات دالّ بر مطلوب بودن سعه روزی، هر دو قطعی الصدور هستند و نمی توان از حجیت هیچ کدام رفع ید کرد، اما آیه قرآن دارای احتمالات متعددی است و وجود احتمالات متعدد برای آیه موجب می شود که دیگر آیه قرآن نتواند در مقابل روایات قرار گیرد؛ چون در روایات، احتمالات متعدد وجود ندارد بلکه تصریح کرده اند که باید به فقرا به مقداری داده شود که کاملاً به زندگی عادی خود پردازند.